

# تأملی کوتاه در باب کمدی و روش‌های ایجاد فضای کمیک

ابوالفضل زرویی نصرآباد



ابوالفضل زرویی نصرآباد در سال ۱۳۴۸ در تهران به دنیا آمد. او در سال ۱۳۷۱ درجه لیسانس ادبیات فارسی گرفت و تحصیلات فوق‌لیسانس ادبیات فارسی را با نوشتن رساله‌ای تحت عنوان «طنز و انتقاد در ادبیات بعد از انقلاب» با درجه بسیار خوب و نمره ۱۹ به پایان برد. وی از معدود طنزپردازانی است که به تحقیق و مطالعه در این عرصه اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. کیومرث صابری فومنی در مورد او گفته: زرویی در کار تحقیق قناعت پیشه نیست. جستجوگر است و هیچ‌گاه، کارش را تمام شده و کامل تلقی نمی‌کند.

درباره طنز، فکاهی و کمدی بسیار گفته و نوشته‌اند. متأسفانه در فرهنگ ما پرداختن به مسایل تئوریک زیاد جدی گرفته نشده، و همین امر موجب شده است که ما در این عرصه، پیش‌تر مصرف‌کننده‌آرا و فرضیات محققان دیگر کشورها درباره مبانی فرهنگی خودمان باشیم.

این بنده در طرح این مقال، قصد آن دارد تا در حد مقدمات و ایجاد زمینه برای طرح بحث، نکاتی را یادآور شود تا شاید زمانی اهل قلمی با فراغتی و سواد بایسته‌تر و شایسته‌تر آن را پی‌گیرد. می‌گویند مرحوم غلامحسین خان درویش، نوازنده زبردست تار، غالباً در مجالس و محافل، دست به ساز نمی‌برد. دوستان او برای تحریکش به نواختن، ترفندی اندیشیده بودند: در حضور او، تار را به دست نوازنده ناواردی می‌دادند تا بنوازد. درویش‌خان که نمی‌توانست این بد نوازی و غلط نوازی را تحمل کند، بر می‌خاست، تار را از فرد ناوارد می‌گرفت و می‌گفت: «این طور باید زدا!» و خودش بنا می‌کرد به نواختن!

امیدواریم بد نوازی و غلط نوازی ما نیز موجب تحریک استادان عرصه فرهنگ و ادب و هنر شود!

□ تعاریف

شوخ طبعی در فرهنگ و ادب فارسی، سابقه دیرینه دارد و نمونه‌های مطایبه را در متون کهن فارسی نظیر «درخت آسوریک»

نیز می‌توان دید.

پیش از این در جایی دیگر، تعریف خود را از شوخ طبعی و شاخه‌های منشعب از آن به تفصیل آورده‌ام و در این مقال، مجال ذکر مجدد آن همه نیست.

با قدری تسامح و به اجمال، می‌توان گفت که شوخ طبعی به چهار شکل در شعر و نثر، ظهور پیدا می‌کند: هزل، هجو، فکاهه و طنز.

هزل سخن بیهوده‌ای است که از آن اراده جد کنند و به تعبیر «ابن رشیق قیروانی»، ابوالهلال عسکری و تفتازانی: «چنین است که چیزی به حسب ظاهر بر سبیل لعب و مطایبه ذکر شود و به حسب حقیقت، غرض از آن امر صحیحی باشد.»

هجو در کلام عرب، به معنی دشنام دادن، بدگفتن، سرزنش کردن و زشت شمردن است. لازم به ذکر است که بعضاً هجو را زیر مجموعه شوخ طبعی نمی‌دانند، مع هذا بدان جهت که در این شیوه، بسیاری از شگردهای طبیعت‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، برخی دیگر معتقدند که هجو نیز زیر مجموعه شوخ طبعی است. فکاهه، رایج‌ترین شاخه شوخ طبعی است. غالب لطایف در تعریف فکاهه می‌گنجد. فکاهه عبارت است از شوخی، مزاح، خوش مزگی و یا هر کلام دیگری که صرفاً موجب خنده شونده یا خواننده و انبساط خاطر او شود.

طنز بیان انتقاد تلخ به زبان شیرین، کنایی و خنده‌آور است که در آن عفت و انصاف رعایت شود. متأسفانه امروزه تمامی شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های شوخ طبعی را به نام طنز می‌شناسند و معرفی می‌کنند و همین امر سوجب شده است تا مخاطبان طنز در بازشناسی آن از دیگر شاخه‌های شوخ طبعی دچار سردرگمی شوند.

شاید این سوال پیش بیاید که تعاریف فوق در عرصه ادب نوشتاری، اعم از نظم یا نثر، کاربری دارد. ارتباط این تعاریف با هنر کمدی در چیست؟ در جواب عرض می‌کنیم که یکی از راه‌های بازشناسی انواع کمدی از هم، آشنایی با تعاریفی است که از هزل، هجو، فکاهه و طنز ارائه شد.

به اجمال می‌توان گفت که کمدی از واژه یونانی Komodia ریشه گرفته و این واژه، ظاهراً تغییر یافته کوموس (Komos) است؛ جشنی که در مراسم کهن دیونوسی همراه با آوازهای شادی بخش و عیش و نوش اجرامی شده است.

ارسطو در «فن شعر»، کمدی را نقطه مقابل تراژدی می‌داند و می‌گوید: «کمدی تقلید اطوار شرم‌آوری است که موجب ریش خند و استهزا می‌شود.»

با بازشناسی اولین متون کمدی و تحقیق در موضوعاتی که کمدی آن روزگار بدان‌ها پرداخته، می‌توان دریافت که کمدی‌های اولیه، با از دایره هزل و هجو بیرون نمی‌گذاشته‌اند و صرفاً انگیزه تفریح و خنده و لودگی داشته‌اند.

کمدی در سیر تکاملی خود، بر اساس نوع اجرا، موضوع، توالی تاریخی، موقعیت جغرافیایی، شیوه بیان و نوع نگاه به تقسیمات مختلف رسیده و امروزه قریب به صد نوع کمدی شناخته شده در جهان وجود دارد.

(برای آشنایی بیش‌تر با انواع کمدی رجوع کنید به فرهنگ‌واره داستان و نمایش، دکتر ابوالقاسم رادفر، رادفر، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۶، صص ۲۳۹ تا ۲۴۶؛ هم چنین: فرهنگ اصلاحات ادبی، سیما داد، مروارید، چاپ دوم ۱۳۷۵، صص ۲۴۴ تا ۲۵۰).

همان‌طور که قبلاً گفتیم کمدی در بدو پیدایش غالباً در لودگی و تمسخر افراد فرا دست و فرودست اجتماع خلاصه می‌شد و به همین جهت علی‌رغم اقبال عمومی از آن، معمولاً کسی مقوله کمدی را جدی نمی‌گرفت. فیلسوفانی مانند «سیسرو» (Cicero)

تلاش فراوان کردند تا به این نوع نمایش - که در آن زمان به شکل نفس‌گیری مضمض کننده بود - معنا ببخشند و برای آن اعتباری کسب کنند. به همین جهت اعلام کردند که کمدی در واقع پر معناتر از آن است که به نظر می‌رسد و از نظر ارزشی با تراژدی برابری می‌کند. به نظر آن‌ها، از زمان نمایش‌های «آریستوفان»، نقش کلاسیک کمدی عبارت بوده است از: «اصلاح کارهای غیر منطقی و غیر اخلاقی نادانان».

با عنایت به شیوه دفاع فلاسفه‌ای نظیر «سیسرو» از کمدی، می‌توان دریافت که ایشان از نوعی از کمدی دفاع می‌کرده‌اند که تا حدود زیادی در بردارنده ابعاد انتقادی و اصلاح‌جویانه طنز بوده‌اند.

### خنده

خنده عبارت است از واکنش، انبساط و رها شدن ناشی از رضایت یا عدم رضایت جسم، در برابر عوامل فیزیکی، شیمیایی، فکری و عصبی.

ما در بخش آتی این نوشته، به معرفی علل خنده و راه‌های بهره‌گیری از آن‌ها در ایجاد فضای کمیک خواهیم پرداخت.

### □ علل خنده

همان‌طور که در تعریف خنده عرض کردم، علل ایجاد خنده، عمدتاً چهار دسته‌اند که ذیل به تفصیل درباره آن‌ها سخن خواهیم گفت:

#### ۱- عوامل فیزیکی:

عواملی هستند که به صورت مستقیم، جسم فرد را تحریک می‌کنند و او را به خنده می‌اندازند؛ نظیر قلقلک و شوخی‌های دستی.

#### ۲- عوامل شیمیایی:

این دسته از عوامل، با خورده شدن یا استنشاق، بدن را تحریک می‌کنند و موجب خنده می‌شوند؛ نظیر گازهای شیمیایی خنده‌آور یا زعفران که مصرف زیاد آن، ایجاد خنده می‌کند.

#### ۳- عوامل فکری:

عواملی هستند که با تأثیرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم بر ذهن فرد، او را خنده می‌اندازند. از آن‌جا که این دسته از عوامل، مهم‌ترین عوامل ایجاد خنده در کمدی نیز هستند، به تفصیل بیش‌تر از آن‌ها نمونه خواهیم آورد.

الف: احساس برتری یا مشاهده حماقت دیگران - به اعتقاد «مولر» و بسیاری دیگر از محققان در مورد خنده و علل آن، مهم‌ترین عاملی که انسان را به خنده وامی‌دارد، آن احساس برتری

## ● خنده عبارت است از واکنش، انبساط و رها

## شدگی ناشی از رضایت یا عدم رضایت جسم،

## در برابر عوامل فیزیکی، شیمیایی، فکری و

## عصبی.

## ● به اعتقاد «مولر» و بسیاری دیگر از محققان

## در مورد خنده و علل آن، مهم‌ترین عاملی که

## انسان را به خنده وامی‌دارد، آن احساس

## برتری است که با مشاهده نادانی و حماقت

## دیگران، در انسان ایجاد می‌شود.

است که با مشاهده نادانی و حماقت دیگران، در انسان ایجاد می‌شود.

نمونه حماقت رفتاری را به وفور در کمدهای «لورل وهادی» می‌توان دید. به عنوان مثال: لورل و هاردی برای تمدد اعصاب به ساحل دریافته‌اند. لورل برای دوشیدن شیر بز، سطل را زیر بز می‌گذارد و به جای دوشیدن، دم بز را مثل دسته تلمبه چاه آب به بالا و پایین حرکت می‌دهد. وقتی از این کار نتیجه‌ای نمی‌گیرد، سطل را زیر گلوی بز می‌گیرد و سنگوله‌های زیر گردن بز را می‌فشارد!

خنده‌ای که از مشاهده این صحنه به بیننده دست می‌دهد، خنده به حماقت کمترین است.

بهتر است نمونه‌ای از حماقت گفتاری را هم در این لطیفه ملاحظه بفرمایید:

دکتر: آقا، بهتر است برای رفع بیماری‌تان میوه بخورید. البته اگر میوه را با پوست بخورید برای‌تان بهتر است.

بیمار: آقای دکتر، آن دفعه هم شما همین دستور را دادید و من اجرا کردم. سیب، گلابی، گوجه و زرد لود را با پوست خوردم اما واقعاً خوردن نارگیل و گردو بسیار مشکل بود!

اجتماع ضدین: تقابل و تعارض دو چیز و جمع آن در یک صحنه یا موقعیت، ایجاد خنده می‌کند.

در فیلم «دوقلوها» (Twins) ساخته «ایوان رایتمن»، اختلاف قد و اندام برادران دوقلو («آرنولد شوارتزینگر» و «دنی دویتو») که یکی قد بلند و دیگری کوتاه است، ناخودآگاه باعث خنده می‌شود. لورل و هاردی نیز از این عنصر به نوعی دیگر (چاقی و لاغر) بهره برده‌اند.

اجتماع ضدین در بسیاری موارد دیگر نیز کاربرد دارد. اگر کودکی بخواهد مثل افراد بزرگسال رفتار کند، یا مردی رفتار زنانه داشته باشد یا انسان درشت اندام سبیل از بناگوش در رفته‌ای مظلوم‌نمایی کند و... همه مواردی که ذکر شد، در یک فیلم یا در یک برش از زندگی موجب خنده خواهند شد. این بیت نیز تا حدود زیادی دربردارنده این مفهوم است:

به سر مناره اشتر رود و قغان بر آرد

که نهان شد ستم این جا، نکنیم آشکارا!

ضرب‌المثل «شتر سواری و دولا دولا» نیز از همین دست است. ج: اشتباه دیگران - در این جا منظور از اشتباه، اشتباهاتی است که یک مرتبه و ناگهانی، نه به جهت حماقت، بلکه به واسطه

حواس‌پرتی رخ می‌دهد.

در فیلم سینمایی «بین»، با هنرمندی «روئن اتکینسون» (مسترین)، آقای بین به واسطه یک اشتباه، روی تابلوی معروف (مادر) عطسه می‌کند و با یک اشتباه ناخودآگاه دیگر، تابلو را با دستمال آلوده به جوهر پاک می‌کند. اشتباه «مسترین» وقتی به اوج می‌رسد که با یک ماده پاک‌کننده، جوهر را از تابلو پاک می‌کند و آن ماده باعث می‌شود که تابلو به کل خراب شود.

نمونه اشتباه ناخود آگاه در

گفتار:

اولی: دیروزاردمم خونه تون

نبودی

دومی: آره، از پشت پنجره

دیدمت!

د: حاضر جوابی - واکنش

سریع برخی افراد در پاسخ‌گویی

درست و به جا، ایجاد خنده‌ای

توام با رضایت می‌کند. خیرنگاری

از «ارنست همینگوی» که

شکارچی زبردستی هم بود،

پرسید: «آیا درست است که اگر

آدم شب در جنگل یک مشعل یا

یک چراغ قوه قوی داشته باشد،

حیوانات به او آسیبی

نمی‌رسانند؟

«همینگوی» بلافاصله پاسخ

داد: «البته؛ ولی بستگی دارد به این که آدمی که چراغ قوه یا مشعل

در دست دارد، با چه سرعتی بدود!

ه-سوء تفاهم - سوء تفاهم نیز درپاره‌ای اوقات موجب ایجاد

خنده می‌شود. استنباط نادرست فرد از گفتار طرف مقابل، موجب

می‌شود که بعضاً دو طرف صحبت، بعد از رسیدن به درک درست از

گفتار هم دیگر به خنده بیفتند یا دیگران را به خنده بیندازند. به این

نمونه توجه کنید:

مردی که به سینما رفته بود، از این که زن و مرد جوانی پشت

سر او با صدای بلند با هم صحبت می‌کردند، ناراحت بود و

نمی‌توانست صدای فیلم را به وضوح بشنود. به همین خاطر،

طافتش طاق شد و برگشت و رو به زن و مرد جوان گفت: «آقا،

خانم، خیلی بیخشیده، من این طوری اصلاً نمی‌توانم بشنوم.» زن

جوان با پرخاش گفت: «واه واه، شما چه رویی دارید؟ ما داریم

درباره مسایل خانوادگی مان صحبت می‌کنیم، چه دلیل دارد که شما

هم بشنوید؟!»

و: تکرار - تکرار یک تکیه کلام، تیک‌های عصبی، حرکت‌های

جسمی و غیره در جریان یک فیلم یا نمایش کمدهی موجب خنده

می‌شود. نمونه‌های کلامی موفق در کارهای کمدهی بسیارند. بعضی

● آدمی از دیدن برخی صحنه‌های انتقام جویانه، احساس لذت می‌کند و می‌خندد. به عنوان مثال وقتی هنرپیشه نقش منفی یک فیلم از پا در می‌آید، بینندگان ناخودآگاه می‌خندند و این خنده‌ای حاکی از رضایت و خشنودی است

● بعضاً خنکی بیش از حد طرف مقابل در فهم گفته‌های ما یا کثرت مشغله ما در یک وقت محدود کوتاه، ما را مستأصل می‌کند و به خنده می‌افتیم. این نیز یکی دیگر از عوامل عصبی خنده است.

● تکرار یک تکیه کلام، تیک‌های عصبی، حرکت‌های جسمی و غیره در جریان یک فیلم یا نمایش کم‌دی موجب خنده می‌شود.

تصور او رخ داده است.  
در فیلمی دیگر، بیماران مراجعه کننده به یک مطب دندان پزشکی، از این که می‌بینند، دکتر دندان پزشک هر بار از اتاقش بیرون می‌آید و از انباری مطب، مته برقی، اره، چکش و وسایل دیگر را به داخل اتاقش می‌برد، وحشت زده می‌شوند ولی بعد که متوجه می‌شوند پزشک، مشغول تعمیر پایه صندلی اتاق است، بینندگان فیلم به خنده می‌افتند.

خنده‌های ناشی از واکنش فکری نسبت به رخ داده‌ها و گفتارها، در همین موارد خلاصه نمی‌شود. آنچه آمد، تنها بخشی از عوامل فکری ایجاد خنده بود. امیدوارم اهل فن و صاحب نظران عرصه طنز و کم‌دی، ایجاد خنده بود. امیدوارم اهل فن و صاحب نظران عرصه طنز و کم‌دی، همین مختصر را به عنوان مدخل بحث بپذیرند و در تحقیقات مبسوط خود، موارد بسیار دیگر را بر آن بیفزایند.

#### ۴- عوامل عصبی:

شاید نتوان خنده‌های عصبی را به عنوان خنده مورد نظر کم‌دی معرفی کرد ولی با این حال چون در مبحث تعاریف، به این نوع از خنده نیز اشاره‌ای کردیم، شاید بد نباشد اگر به ذکر پاره‌ای از عوامل این نوع از خنده، ولو به اختصار، بپردازیم.

خنده‌های عصبی، برخلاف تصور عام همواره ناشی از عدم رضایت خاطر نیست. چه بسا اتفاقات و گفته‌ها که با ایجاد آرامش، سلسله اعصاب فرد را به خنده تحریک کند.

خنده‌هایی که عوامل فکری دارند نیازمند تعقل و استنتاج فکری هستند، حال آن که خنده‌های عصبی بعضاً بی‌اختیار به وجود می‌آیند. ما در زیر به برخی از عوامل عصبی خنده اشاره می‌کنیم.  
الف: ترس - کودکان وقت فرار از دست پدر و مادر یا دیگران که به شوخی آن‌ها را دنبال می‌کنند، با این که از گرفتار شدن می‌ترسند ولی از ته دل و با صدای بلند می‌خندند. کافی است شما

از تکیه کلام‌ها حتی در بین مردم نیز راه پیدا می‌کنند. به عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حسام بیگ (در سریال «روزی روزگاری»): التماس نکن! نمکی (در فیلم سینمایی «مسافران مهتاب»): می‌خوای اذیت کنی؟! مش قاسم (در سریال «دایی جان ناپلئون»): دروغ چرا؟ تا قبر

|||||

رامین (در مجموعه «۷۷»): لطف فرمودند... اینه!  
ز: حقه بازی و زرنگی - استعداد فرد در به کارگیری شیوه‌های عجیب و غریب گفتاری و رفتاری برای کلک زدن به دیگران، از دیگر عواملی است که باعث خنده می‌شود.

انیمیشن‌های «تام و جری» مشحون از این حقه‌بازی‌های رفتاری است که موش و گربه برای از میدان به در کردن هم‌دیگر، از آن‌ها استفاده می‌کنند. جاخالی دادن‌های معروف «چارلی چپلین» در مواقع درگیری و بسیاری از حرکات جالب «روشن اتکینسون» (مسترین) - به عنوان مثال هنگام پارک ماشین در پارکینگ یا ایستادن در صف اتوبوس - از همین دست است. لطیفه زیر نیز بیانگر همین ترند است:

زن خطاب به مرد: «عزیزم، من می‌رم پیش اقدس خانم و تا یک ربع دیگه بر می‌گردم. تو فقط نیم ساعت به نیم ساعت، سری به غذا بزن که نسوزه!»

ح: اتفاق خلاف انتظار و غیر قابل پیش‌بینی - در آغاز فیلم «قصاب باشی» با بازی «نورمن ویزهوم»، نورمن را در کسوت یک جراح می‌بینیم که از دستیارش ابزاری نظیر کارد و ساتور می‌خواهد. بیننده در ابتدا تصور می‌کند که «نورمن» مشغول جراحی حساسی است ولی وقتی در سکانس‌های بعدی متوجه می‌شود که تلاش «نورمن»، فقط برای بریدن یک تکه گوشت بوده است، ناخودآگاه به خنده می‌افتد چرا که ماجرای خلاف انتظار و

یک مرتبه آن‌ها را بگیرد تا آن ترس به ناامیدی مطلق بینجامد و آن‌ها به گریه بیفتند.

شما هم احتمالاً کسانی را دیده‌اید - و شاید خودتان هم از آن دسته باشید - که وقت دیدن فیلم‌های ترس‌ناک می‌خندند.

خنده‌های این چنینی ناشی از ترس است و ریشه عصبی دارد.

ب: اختلال اعصاب - گاهی اوقات اعصاب آدمی در انتخاب عکس‌العمل مناسب در برابر وقایع، دچار اشتباه می‌شود. حتماً دیده‌اید کسانی را که با شنیدن خبر مرگ عزیزترین کس خود بعضاً با صدای بلند می‌خندند. خنده کارمندی که برگه اخراج به دستش می‌رسد و خنده کسی که به ناحق محکوم می‌شود نیز زائیده عوامل عصبی است.

ج: تشفی خاطر - آدمی از دیدن برخی صحنه‌های انتقام

جورانه، احساس لذت می‌کند و می‌خندد. به عنوان مثال وقتی هنرپیشه نقش منفی یک فیلم از پا در می‌آید، بینندگان ناخودآگاه

می‌خندند و این خنده‌های حاکی از رضایت و خشنودی است

د: استیصال - بعضاً خنگی بیش از حد طرف مقابل در فهم

گفته‌های ما یا کثرت مشغله ما در یک وقت محدود کوتاه، ما را

مستأصل می‌کند و به خنده می‌افتیم. این نیز یکی دیگر از عوامل عصبی خنده است.

ه: شادی موقعیت: خنده‌ای که در این وضعیت به فرد دست

می‌دهد، ناشی از یک استنتاج فکری نیست و ناخودآگاه حاصل

می‌شود. مثل خنده یک جوان با شنیدن خبر قبولی در کنکور،

خنده زندانی با شنیدن خبر آزادی و خنده فرد هنگام دیدن کسانی

که دوست‌شان دارد.

و: حفظ ظاهر: خنده‌های ساختگی مولود این عامل است. مثل

خنده یک کارمند در مقابل مدیر سخت‌گیر، خنده به لطفی‌ای

تکراری که شخص محترمی تعریف می‌کند و خنده‌های دیگری از

این دست که نه تنها ایجاد خشنودی نمی‌کند، بلکه موجب تشدید

فشار عصبی بر فرد نیز می‌شود.

□□□

برای عوامل عصبی خنده نیز، نمونه‌های فراوان دیگر می‌توان

ذکر کرد که طبعاً مجال دیگر می‌طلبند.

امیدوارم، همان‌طور که در مقدمه مطلب عرض کردم، این

وجیزه، باعث شود تا ارباب فضل و صاحب‌نظران عرصه طنز و

کمدی، که قطعاً نظرات بسیار ارزش‌مندی در این زمینه دارند، بسیار

گسترده‌تر به بازگشایی و تبیین این مفاهیم بپردازند.

(این همه گفتیم، اما در بیسج

بی عنایات خدا، هیچیم، هیچ)

● علاقه‌مندان به تحقیق درباره کمدی، می‌توانند از این منابع

بهره ببرند:

۱- ترازوی سیمای کمدی ایران، غلام حیدری، فیلم‌خانه ملی ایران، چاپ

اول، ۱۳۷۰

۲- حضرت فیل، ترجمه داستان‌های طنز خارجی، انتشارات نشریه توفیق.

چاپ اول ۱۳۲۷، مقدمه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

۳- سال‌نامه گل آقا، ۱۳۷۶، صص ۵۴ تا ۶۲.

۴- طنز آوران جهان نمایش (جلد اول)، داریوش مودیان، دنیای هنر،

چاپ اول ۱۳۷۵، صص ۱۱۲ تا ۱۷.

۵- طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب (جلد سوم)، مرضی فرجیان -

محمد باقر نجف‌زاده بار فروش، چاپ و نشر نیاد، چاپ اول ۱۳۷۰، صص ۸۶۷

تا ۸۸۹

۶- عناصر داستان، جمال میر صادقی، انتشارات شفا، چاپ دوم ۱۳۶۷،

صص ۸۳ تا ۹۸.

۷- فرهنگ اصطلاحات ادبی، سیما داد، مروارید، چاپ دوم ۱۳۷۵، صص

۲۲۴ تا ۲۵۰.

۸- فرهنگ واژه داستان و نمایش، دکتر ابوالقاسم رادفر، اطلاعات، چاپ

اول ۱۳۶۶، صص ۲۳۹ تا ۲۴۶.

۹- فن سناریویونوسی (جلد دوم)، یوجین ویل، مترجم: پ. د (پسیام)،

وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ ۱۳۶۰، ص ۱۷۰.

۱۰- ماهنامه دنیای تصویر، شماره ۳۳، صص ۲۱ و ۴۰.

۱۱- نویسنده‌گی برای رادیو و تلویزیون، دکتر عذرا خزناتلی، مرکز

تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، چاپ اول ۱۳۵۷، صص

۳۱۶ تا ۳۲۷